

# تحلیل گفتمان غزلیات عاشقانه سعدی و ابتهاج با تاکید بر نظام گذرایی

محمد عارف امیری<sup>۱</sup>

حسین قاسمی<sup>۲</sup>

آناهیتا پرتوی<sup>۳</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گفتمان غزلیات عاشقانه دو شاعر نامدار (سعدی و ابتهاج) از دو دوره زمانی مختلف انجام شده است تا به این وسیله چگونگی بازنمایی جهان بینی موجود در این گفتمان در قالب نظام گذرایی و انواع فرایند و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی چنین بازنمایی در غزلیات عاشقانه این دو شاعر مشخص گردد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در پیکره مورد بررسی فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی بیشترین کاربرد را داشته‌اند. همچنین سعدی از فرایندهای ذهنی و بیانی بیشتر از ابتهاج استفاده کرده است. درحالی‌که کاربرد فرایندهای مادی، وجودی و رفتاری در غزلیات ابتهاج بیشتر مشاهده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، نظام گذرایی، سعدی، ابتهاج

## ۱- مقدمه

در طول تاریخ بیش از هزار ساله شعر فارسی، رایج‌ترین قالب شعری، قالب غزل است. این قالب از دل قصیده بیرون آمده و رواج و روایی آن نیز بعد از دوره استیلای قصیده بر شعر فارسی است و این روند تا امروز نیز با شدت و ضعف ادامه دارد. ابیات غزل بین ۵ تا ۲۵ بیت و مصرع اول آن با مصرع‌های زوج هم‌قافیه است. غزل که قالب اصلی شعر غنایی است، دارای مضامینی چون «وصف معشوق و زیبایی، ذکر اخلاق او از قبیل نامهربانی، حال رنجوری عاشق، شکایت از روزگار، یاد خوش ایام وصال و وصف زیبایی طبیعت از قبیل باغ و بهار و ماه است» (شمیسا، ۱۳۶۲: ۲۶۹). ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلح بن عبدالله بن مشرف متخلص به سعدی شیرازی (۶۰۶ - ۶۹۰ هجری قمری) شاعر و نویسنده فارسی‌زبان

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی aref.amiri@outlook.com

<sup>۲</sup> - استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران hossein\_gh53@yahoo.com

<sup>۳</sup> - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر (پژوهشگر، پژوهشکده زبان‌شناسی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (نویسنده مسئول) anahitapartovi@yahoo.com

و نامدار ایرانی است که آثار ارزشمندی چون گلستان و بوستان از وی به یادگار مانده است. سعدی در کنار حافظ به عنوان یکی از چیره‌دست‌ترین غزل‌سرایان تاریخ ایران شهرتی جهانی دارد. امیر هوشنگ ابتهاج متخلص به ه. ا. سایه (زاده ۶ اسفند ۱۳۰۶ هجری شمسی) شاعر و محقق پرآوازه ایرانی است که بسیاری غزل‌های عاشقانه او را هم‌ردیف سروده‌های بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌گوی می‌دانند. در پژوهش حاضر سعی خواهد شد تا با تحلیل سروده‌های دو تن از غزل‌سرایان بنام فارسی‌زبان (سعدی و ابتهاج) از دو دوره زمانی مختلف ویژگی‌های گفتمانی غزلیات عاشقانه با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی تجربی این سروده‌ها مشخص گردند. سپس با تکیه بر نتایج به دست آمده از تحلیل چگونگی بازنمایی جهان، مفاهیم، احساسات و رفتارها در اشعار هر کدام از این دو شاعر مشخص گردد و به منظور پی بردن به شباهت‌ها و تفاوت‌های سبکی این نتایج با یکدیگر مقایسه شوند.

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای است. به منظور تحلیل گفتمان غزلیات عاشقانه در این مقاله ۲۰ غزل عاشقانه از سعدی و ابتهاج به روش تصادفی انتخاب شدند و با هدف پی‌بردن به چگونگی بازنمایی جهان‌بینی موجود در این گفتمان و نیز تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی سروده‌های این دو شاعر با استفاده از ابزارهای موجود در نظام گذرایی (طبقه‌بندی و بسامد رخداد انواع فرایند) فرانش تجربی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفتند.

## ۲- پیشینه پژوهش

دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی به عنوان یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای موجود جهت تحلیل متن و گفتمان شناخته می‌شود. از این جهت از ابزارها و مفروضات آن در پژوهش‌ها و حوزه‌های گوناگونی نظیر تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا)، سبک‌شناسی ادبی، نشانه‌شناسی، روان‌شناسی زبان و دیگر حوزه‌های مرتبط به زبان‌شناسی به طور گسترده استفاده می‌شود. در این بخش به برخی از مرتبط‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تحلیل گفتمان متون ادبی ایرانی و غیر ایرانی که با استفاده از دستور نظام‌مند انجام شده‌اند اشاره می‌شود.

هالیدی (۱۹۷۱) با بررسی رمانی از ویلیام گلدینگ<sup>۱</sup> با ارائه مثال‌هایی از گفتار یکی از شخصیت‌های این داستان نشان داده است که وی در درک رابطه علت و معلولی دچار مشکل است. ضعف این شخصیت در تجربه کردن جهان بیرون و دانش اندک و غیرعادی او درباره جهان پیرامونش، در گفتار شخصیت بازنمایی شده است و بر اساس کارکرد فرانش تجربی زبان می‌توان این مسئله را تبیین کرد. نتایج تحقیق، نشان می‌دهد که دستور نقش‌گرا می‌تواند در تحلیل متون بسیار کارآمد باشد. برتون<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) نظام گذرایی را در تحلیل متنی مستخرج از رمان *طنین زنگ* نوشته سیلویا پلات<sup>۳</sup> به کار گرفته است. نتایج تحلیل‌های آماری برتون نشان داده است که شخصیت اول متن، منفعل است و نقش

<sup>۱</sup> - W. Golding

<sup>۲</sup> - D. Burton

<sup>۳</sup> - S. Plath

کنشگری ندارد. هیچ کنشی از سوی وی انجام نمی‌پذیرد و انجام دهنده کنش‌ها، مشارکین دیگر هستند. حسن (۱۹۸۹) با بررسی انواع فرایند در شعری از موری مشاهده کرده است که فرایند مادی بیشترین استفاده را در این شعر داشته است در حالی که فرایند بیانی هیچ‌گونه کاربردی در متن مورد مطالعه نداشته است. حسن علت این موضوع را تنهایی شخصیت اصلی داستان قلمداد کرده است. ابوالحسنی و میرمالک ثانی (۱۳۸۷) با مقایسه فرانش تجربی متون درسی دانشگاهی و متون همسان غیر درسی نشان داده‌اند که توزیع درصد فرایندها در کتاب‌های رشته علوم انسانی با علوم پایه متفاوت است به نحوی که فرایندهای مادی و رابطه‌ای در کتاب‌های علوم پایه بیشتر از علوم انسانی است. در حالی که فرایندهای ذهنی و کلامی توزیع بیشتری در کتاب‌های علوم انسانی داشته‌اند. آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از تحلیل نظام گذرایی در قالب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی چهار داستان کوتاه صادق هدایت و جلال آل‌احمد را با یکدیگر مقایسه نمودند. نتایج این پژوهش نشان داده است که بسامد رخداد فرایند مادی در آثار آل‌احمد بیشتر از هدایت است و به اعتقاد آقاگل‌زاده و همکاران این امر بیانگر اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه از سوی آل‌احمد است. در حالی که هدایت از فرایندهای رفتاری بیشتر در داستان‌های خود استفاده نموده است و دلیل آن توجه هدایت به انسان است. علاوه بر این کاربرد فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای در داستان‌های هدایت بیشتر از آل‌احمد است. کلاهدوز محمدی و نبی‌فر (۲۰۱۲) دوپست ضرب‌المثل فارسی و انگلیسی را با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند مقایسه نمودند. نتایج این بررسی نشان داد که کاربرد فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی در هر دو زبان زیاد است اما کاربرد فرایندهای رابطه‌ای، رفتاری و کلامی در زبان فارسی بیشتر و استفاده از فرایندهای مادی و وجودی کمتر از انگلیسی است. چورا<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) با بررسی افعال سه مفعولی متون علمی پزشکی از منظر فرانش تجربی این‌گونه نتیجه گرفته است که با وجود اینکه فرایندهای مادی و رابطه‌ای پر بسامدتر هستند فرایندهای کلامی و ذهنی بسامد کمتری دارند و این امر به علت ویژگی‌های رشته پزشکی و هنجارهای نگارش مقالات علمی است. فضائی و ابراهیمی (۱۳۹۳) با بررسی افعال در هفت‌خوان رستم با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند نشان دادند که فرایند مادی بیشترین کاربرد را در این اشعار داشته است و میزان کاربرد این فرایند با دومین فرایند پر بسامد (فرایند رابطه‌ای) به لحاظ آماری نیز معنادار است. فضائی و ابراهیمی دلیل این استفاده بالا را فضای حماسی شاهنامه عنوان کرده‌اند. امیرخانلو (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای سبک‌شناسانه بررسی فرایندهای موجود در فرانش اندیشگانی غزلیات حافظ را مورد پژوهش قرار داده است. نتایج پژوهش امیرخانلو نشان می‌دهد حافظ در غزلیات عاشقانه و قلندارنه خویش از فرایند مادی بیشتر از سایر فرایندهای استفاده کرده است و در غزلیاتی که ویژگی مناظره داشته‌اند از فرایندهای کلامی استفاده بیشتری نموده است. رضویان و احمدی (۱۳۹۵) با بررسی و مقایسه نظام گذرایی در آثار نویسندگان زن و مرد سعی داشته‌اند تا با رویکردی مقابله‌ای نقش جنسیت در ارائه جزئیات در داستان را مشخص نمایند. به این منظور رضویان و احمدی دو داستان نوشته شده توسط جعفر مدرس صادقی و سیمین دانشور را تحلیل و با یکدیگر مقایسه کردند. نتایج این پژوهش

<sup>۱</sup> - S. Choura

نشان داد که دانشور نسبت به صادقی از افزوده‌های حاشیه‌ای کمتر اما متنوع‌تر استفاده کرده است. در هر دو داستان تعداد افزوده‌های مربوط به «مکان»، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در اثر نویسنده مرد هیچ افزوده‌ای مربوط به «منبع و ظاهر» به چشم نمی‌خورد در حالی که دانشور این افزوده را به کار برده است. شبیانی اقدم و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود بررسی جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام‌گذاری را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که هسته اصلی و مرکز معنایی فرایندهای به کار رفته در آیات و احادیث از نوع رابطه‌ای است. همچنین آیات و احادیثی که شامل یک فرایند مشخص هستند، می‌توانند به چند فرایند افزایش یابند، یا برعکس چند فرایند نمود یافته در آیات و احادیث در کلام مولوی می‌تواند به یک فرایند تقلیل یابد و به این ترتیب، بر هدف تعلیمی و ارشادی یک نکته خاص تأکید شود. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی در پژوهش‌های انتقادی نیز کاربرد عمده‌ای داشته است نظیر محبی‌تبار (۱۳۸۹) که در پایان‌نامه خود تحلیل انتقادی گفتمان دفاع مقدس در اشعار قیصر امین‌پور را مورد پژوهش قرار داده است. پژوهشگر برای تحلیل چگونگی ارتباط متن شعر دفاع مقدس، با گفتمان این دوره، از ابزارهای معرفی شده در تجربی، که یکی از بخش‌های دستور نقش‌گرای هلیدی است؛ استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که ایدئولوژی گفتمان دفاع مقدس، در شعر امین‌پور، به صورت تلویحی بازتاب گسترده‌ای دارد. فرآیند نام‌گذاری برای مضامین دفاع مقدس، با نگاهی عاشقانه و عارفانه صورت گرفته و باعث نوعی طبیعی‌شدگی گشته است. فردوسی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی را مورد تأکید قرار داده است. ابزار تحلیل متن در این پژوهش نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و فرانقش تجربی است و تحلیل‌های انتقادی بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) انجام شده است. نتایج پژوهش فردوسی نشان داده است که در گلستان دو گفتمان عمده معنوی و حکومتی موجود است. پژوهشگر با تبیین نقش و جایگاه مشارکان هر یک از این گفتمان‌ها، نهایتاً به این نتیجه دست یافته است که گفتمان غالب گلستان، گفتمان معنوی است و از میان مشارکان آن، خداوند بر فضای گلستان برتری مطلق دارد. همچنین روحی‌پور (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج را مورد بررسی و مقایسه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که به لحاظ فرم، غزل هر دو شاعر، روایی و در اکثر موارد، از انسجام مفهومی، برخوردار است و از محتوای شعر سعدی و سایه، عشق انسانی ملموس بدون سایه روحانی غزل سنتی را در بر دارد.

### ۳- دستور نقش‌گرای نظام‌مند

در دستور نقش‌گرا، زبان دارای نقش و کارکردهای مختلف در جامعه و پدیده‌های متفاوت است؛ از اینرو، می‌توان با این رویکرد پدیده‌های زبان را بررسی نمود. مطابق با نظریه نقش‌گرا الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانقش تجربی تجلی می‌یابند. از منظر هلیدی و متیسن جنبه‌های مختلف تجربه

<sup>۱</sup> - Norman Fairclough

انسان (فرایندی رخ داده، چگونگی روابط افرادی که در این فرایند درگیر هستند و انسجام و پیوستگی و توالی عناصر پیام) از طریق سه فرانش تجربی، بینافردی و متنی که به طور همزمان و موازی می‌توانند در پیام وجود داشته باشند، باز نمود زبانی می‌یابد (هلیدی و متیسن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۳۰). در هر یک از این فرانش‌ها تعبیر متفاوتی از بند<sup>۲</sup> ارائه می‌شود. «بند به عنوان «بازنمایی»<sup>۳</sup> (بند بازنمایی فرایندهایی در تجربه انسان است؛ کنش‌گر عنصری است که گوینده او را به عنوان کننده کار مطرح می‌کند و شرکت کننده فعال در این فرایند است؛ «مبادله»<sup>۴</sup> (بند در واقع مبادله و انتقال بین گوینده و شنونده است. «فاعل» عنصری است که گوینده اعتبار گزاره‌ای که بیان می‌کند را منوط و منسوب به آن می‌داند؛ و «پیام»<sup>۵</sup> (در فرانش متنی مطرح است و از این دیدگاه متن پیامی دارد و نقطه عزیمت این پیام از دید گوینده «آغازگر/مبتدا» نامیده می‌شود) (همان: ۸۳). نقش اندیشگانی که همان نقش محتوایی و بازنمایی زبان است و نظام گذاری ساز و کار بیان این فرانش است.

### ۳-۱- نظام گذاری

از منظر فرانش تجربی «بند» شیوه‌ای برای بازنمایی است و بند یک رخداد را به لحاظ اینکه چه کسی در آن مشارکت داشته است، چه عملی اتفاق افتاده است و زمان، مکان، شیوه و علت این رخداد چه بوده است، توضیح می‌دهد. نظام گذاری مکانیسم بیان فرانش تجربی است و هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۷۰) نظام دستوری که این امر در آن محقق می‌شود را گذاری می‌نامند. به اعتقاد ایشان نظام گذاری دنیای تجربه را در مجموعه قابل کنترلی از فرایندها تفسیر می‌کند. به نظر هلیدی (۱۹۹۴: ۱۰۶) گذاری نشان می‌دهد چگونه کاربران زبان تصویر ذهنی خود از واقعیت را در قالب زبان تجسم می‌بخشند و چگونه تجربه خود از دنیای اطراف و درونشان را توضیح می‌دهند. این تجربه از مجموعه‌ای از «روی‌دادن‌ها»<sup>۶</sup>، یعنی اتفاق افتادن، انجام دادن، احساس کردن، معنا دادن و بودن و شدن؛ تشکیل شده است.

در فرانش تجربی، بند از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: ۱- فرایند که یک رخداد یا عمل انجام شده در بستر زمان است و معمولاً در قالب گروه فعلی عینیت می‌یابد. ۲- شرکت‌کننده‌هایی که در این فرایند درگیر هستند و در قالب گروه اسمی در زبان نمایان می‌شوند. ۳- عناصر حاشیه‌ای که با این فرایند در ارتباط هستند و معمولاً در قالب گروه قیدی یا حرف‌اضافه‌ای عینیت می‌یابند.

جهت تحلیل ساختار گذاری بند نیاز است به سه سؤال پاسخ داده شود: ۱- نوع فرایند چیست؟، ۲- چند مشارک در آن فرایند حضور دارند؟ و ۳- عناصر پیرامونی فرایند کدام‌اند؟

1- Matthiessen, C.M.

4- clause

5- representation

6- exchange

7- message

6-goings on

هلیدی و متیسن رویدادهای تجربی را بر اساس نوع تجربه‌ای که توضیح می‌دهند در شش نوع فرایند دسته‌بندی کرده‌اند که به دو دسته فرایندهای اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. فرایندهای اصلی به سه گروه مادی<sup>۱</sup>، ذهنی<sup>۲</sup>، رابطه‌ای<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند و در مرز این فرایندها سه فرایند فرعی رفتاری<sup>۴</sup>، وجودی<sup>۵</sup> وجودی<sup>۵</sup> و بیانی<sup>۶</sup> قرار می‌گیرند.

### ۳-۱-۱- فرایند مادی

این نوع فرایندها رخداد حادثه را نشان می‌دهند. فعلی که نمایاننده این نوع فرایند است یا لازم است یا متعدی. در هر صورت شرکت‌کننده‌ای که عملی را انجام داده است کنشگر و در صورت متعدی بودن شرکت‌کننده‌ای که تحت تأثیر عمل انجام‌شده قرار گرفته است هدف<sup>۷</sup> نامیده می‌شود (رستم‌بیک و رضانی، ۱۳۸۹).

### ۳-۱-۲- فرایند ذهنی

فرایندهای ذهنی مربوط به تجارب دنیای درون و نمایانگر احساس و ذهنیت است. در بند دارای فرایند ذهنی کسی که احساسی در او به وجود آمده حس‌گر<sup>۸</sup> نامیده می‌شود و انسان یا موجودی ذی‌شعور مانند انسان است که می‌تواند حس کند، فکر کند، بخواهد و درک کند. عنصر اصلی دیگری که در این نوع بند وجود دارد آن چیزی است که احساس را به وجود آورده و پدیده<sup>۹</sup> نامیده می‌شود. فرایندهای ذهنی بنا به ماهیت کنش ذهنی که صورت می‌دهند به انواعی دسته‌بندی می‌شوند: ۱- ادراکی<sup>۱۰</sup> مانند: شنیدن، ۲- عاطفی<sup>۱۱</sup> مانند: دوست داشتن، ۳- شناختی<sup>۱۲</sup> مانند: تصور کردن و ۴- تمنایی<sup>۱۳</sup> مانند خواستن (تامپسون، ۲۰۱۴: ۹۹ - ۱۰۰).

### ۳-۱-۳- فرایند رابطه‌ای

نقش اصلی فرایندهای رابطه‌ای شخصیت بخشیدن یا هویت دادن است و این فرایند نشان دهنده چگونه بودن چیزهاست (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۵۹). در این نوع فرایند تجربه از جنبه بودن مورد توجه قرار می‌گیرد و نه مانند فرایند مادی و ذهنی از جنبه انجام دادن و حس کردن. در نتیجه صورت‌های مختلف فعل بودن نمونه بارز این فرایند است. انواع فرایند رابطه‌ای عبارت است از ۱- اسنادی که اجزای

1- material  
2- mental  
3- relational  
4- behavioural  
5- existential  
6- verbal  
7- goal  
8- sensor  
9- phenomenon  
10- perceptive  
11- emotive  
12- cognitive  
13- desiderative

تشکیل دهنده بند حاصل از آن شاخص<sup>۱</sup> و حامل<sup>۲</sup> است. در این نوع بند شاخص می‌تواند یک گروه اسمی اسمی نکره یا صفت باشد و نقش آن نسبت دادن یک ویژگی به یک چیز است. ۲- هویتی<sup>۳</sup> که اجزای تشکیل دهنده بند حاصل از آن شناخته<sup>۴</sup> و شناسا<sup>۵</sup> است. در فرایند رابطه‌ای هویتی ویژگی خاصی برابر با هویت فرد است و در چنین بندی عناصر قابل جابجایی است.

### ۳-۱-۴- فرایند بیانی

این فرایند مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی و انجام یک عمل فیزیکی (گفتن) است که نتیجه یک فعالیت ذهنی است و بند دارای این فرایند به بیان چیزی اشاره دارد. مشارکی که در تمام فرایندهای بیانی حضور دارد گوینده<sup>۶</sup> است و علاوه بر آن سه شرکت کننده دیگر نیز در بند ایفای نقش می‌کنند: ۱- مخاطب بند<sup>۷</sup>، ۲- گفته<sup>۸</sup>، ۳- مخاطب فرایند<sup>۹</sup>. منظور از مخاطب بند شخصی است که روی سخن گوینده گوینده با او است. گفته آن چیزی است که بیان شده است و مخاطب فرایند کسی است که فرایند بیانی او را هدف قرار می‌دهد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۳).

### ۳-۱-۵- فرایند رفتاری

این نوع فرایندها مانند فرایندهای ذهنی در مرز بین فرایند ذهنی و مادی قرار دارند؛ به همین علت از یک سو تا حدودی شبیه به فرایندهای مادی و از سوی دیگر شبیه به فرایندهای تجربی است. این فرایندها به طور معمول به انسان نسبت داده می‌شوند و شامل رفتارهای فیزیولوژیکی و روان‌شناختی است. مانند: نفس کشیدن، سرفه کردن، خیره شدن. شرکت کننده یا کسی که از او رفتاری سرمی‌زند به طور معمول باید یک موجود ذی‌شعور باشد و در چنین بندهایی رفتارگر<sup>۱۰</sup> نامیده می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۱).

### ۳-۱-۶- فرایند وجودی

بندهای دارای فرایند وجودی نشان‌دهنده وجود، هستی یا رخداد چیزی است. شرکت کننده دیگر این نوع بند موجودیت یا رخدادی است که به وجود آن در بند اشاره شده است و موجود<sup>۱۱</sup> نامیده می‌شود. فرایند وجودی در زبان فارسی با افعال «وجود داشتن و هستن» نمود پیدا می‌کند (رمضانی و رستم‌بیک، ۱۳۹۴).

1- attribute  
2- carrier  
3- identifying  
4- identified  
5- identifier  
6- sayer  
7- receiver  
8- verbiage  
9- target  
10- behavior  
11- existent

### ۳-۱-۷- عناصر پیرامونی

عناصر پیرامونی پس‌زمینه‌ای را نشان می‌دهند که فرایند در آن صورت پذیرفته است. عنصر پیرامونی در زبان فارسی و انگلیسی قیود زمان و مکان، گستره<sup>۱</sup> مانند: مسافت و مدت، شیوه<sup>۲</sup> مانند: کیفیت و ابزار، علت<sup>۳</sup> مانند: دلیل و قصد؛ و احتمال<sup>۴</sup> را در برمی‌گیرد (رستم‌بیک و رضانی، ۱۳۸۹).

گذرایی در تحلیل گفتمان از اهمیت برخوردار است زیرا الگوی بند می‌تواند بازتاب‌دهنده شیوه‌های مختلف نگاه به جهان و ساختن واقعیت باشد، به عنوان مثال، با بازنمایی افراد در جایگاه کنشگر و دیگران در جایگاه هدف. همین امر ممکن است دارای معنای ضمنی از این قرار باشد که اشخاص یا گروه‌هایی به گونه‌ای بازنمایی شده‌اند که دارای عاملیت یا قدرت هستند. در نتیجه بازنمایی‌ها را می‌توان حاکی از سوگیری، استفاده ابزاری و ایدئولوژی در گفتمان دانست (امیری، ۱۳۹۵: ۴۶).

### ۴- یافته‌ها

در این بخش بر اساس تعاریفی که در بخش چارچوب نظری تحقیق از فرایندهای مادی، رابطه‌ای، ذهنی و فرایندهای فرعی رفتاری، بیانی و وجودی ارائه شد، انواع فرایندهای موجود در گفتمان عاشقانه غزلیات فارسی بررسی می‌شود. به این منظور نخست، برای هر یک از این فرایندها نمونه‌ای از کاربرد آن در بیکره اشعار سعدی و ابتهاج ذکر می‌گردد؛ آنگاه فراوانی و درصد فراوانی هر یک از فرایندها در کل بیکره مورد مطالعه و نیز غزلیات هر یک از شاعران مورد بررسی در قالب جدول و نمودار ارائه می‌گردد.

#### ۴-۱- فرایند مادی

هر ساعت از نو قبله‌ای با بت پرستی می‌رود  
توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را  
(سعدی)

غم اگر به کوه گویم بگریزد و بریزد  
که دگر بدین گرانی نتوان کشید باری  
(ابتهاج)

#### ۴-۲- فرایند ذهنی

سعدی ملامت نشنود و در این سر می‌رود  
صوفی گران جانی ببر ساقی بیاور جام را  
(سعدی)

آه از شوخی چشم تو که خونریز فلک  
دید این شیوه ی مردم کُشی و یاد گرفت  
(ابتهاج)

#### ۴-۳- فرایند رابطه‌ای

1- extent  
2- manner  
3- cause  
4- contingency



دل از انتظار خونین دهن از امید

چه خوش است بوی عشق از نفس نیازمندان

خندان

(سعدی)

داد از آن زخمه که دیگر ره بیداد

شعرم از ناله ی عشاق غم انگیزتر است

گرفت

(ابتهاج)

#### ۴-۴- فرایند بیانی

که قیامت است چندان سخن از دهان خندان

نفسی بیا و بنشین سخنی بگوی و بشنو

(سعدی)

که دگر بدین گرانی نتوان کشید باری

غم اگر به کوه گویم بگریزد و بریزد

(ابتهاج)

#### ۴-۵- فرایند رفتاری

نظر به حال پریشان ما نیندازی

تو خود به صحبت امثال ما نپردازی

(سعدی)

دگر ای امید خون شو که فرو خلید خاری

همه عمر چشم بودم که مگر گلی بخندد

(ابتهاج)

#### ۴-۶- فرایند وجودی

هر جا که عاقلی بود اینجا دم از جنون زد

دیوانگان خود را می بست در سلاسل

(سعدی)

نام حبیب هست و نشان حبیب نیست

گم گشته دیار محبت کجا رود

(ابتهاج)

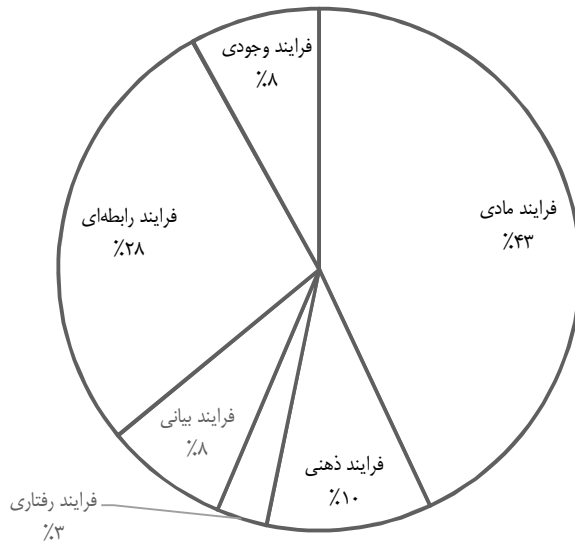
نتایج حاصل از تحلیل انواع فرایند در کل پیکره مورد بررسی شامل غزل‌های عاشقانه سعدی و ابتهاج

در جدول ۱- ارائه شده است.

نوع فرایند	بسامد رخداد
فرایند مادی	۲۱۹
فرایند ذهنی	۵۲
فرایند رابطه‌ای	۱۴۲
فرایند بیانی	۳۹
فرایند رفتاری	۱۶
فرایند وجودی	۴۱
مجموع فرایندها	۵۰۹

جدول ۱- فراوانی رخداد انواع فرایند در پیکره غزلیات عاشقانه سعدی و ابتهاج

چنانچه در جدول ۱- مشاهده می‌شود در مجموع ۵۰۹ بند مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به نتایج به دست آمده در این بخش، نمودار ۱- درصد توزیع انواع فرایند را در کل پیکره مورد بررسی به نمایش گذاشته است:



### نمودار ۱- توزیع انواع فرایند در غزلیات سعدی و ابتهاج

با توجه به نمودار ۱- وضعیت کلی توزیع انواع فرایند در گفتمان غزلیات عاشقانه دو شاعر مورد بررسی مشخص می‌شود. همانطور که در نمودار ۱- مشاهده می‌شود از بین انواع فرایند، فرایند مادی با ۴۳ درصد بیشترین رخداد را در گفتمان عاشقانه داشته است. پس از آن فرایند رابطه‌ای ۲۸ درصد مجموع فرایندها را به خود اختصاص داده است و از این منظر در مرتبه دوم قرار گرفته است. پس از آن فرایند دهنی با ۱۰ درصد، فرایندهای وجودی و بیانی با ۸ درصد و در پایان فرایند رفتاری تنها با ۳ درصد رخداد داشته است.

به منظور تحلیل جداگانه و مقایسه نظام گذرایی در گفتمان غزلیات عاشقانه سعدی و ابتهاج فراوانی و درصد رخداد انواع فرایند در اشعار هر یک از این شاعران در جدول‌های مجزا ارائه شده است. چگونگی رخداد انواع فرایند در گفتمان عاشقانه سروده‌های سعدی در جدول ۲- به نمایش گذاشته شده است.

نوع فرایند	بسامد رخداد	درصد توزیع
فرایند مادی	۱۱۹	۴۲
فرایند ذهنی	۳۲	۱۱
فرایند رابطه‌ای	۷۹	۲۸
فرایند بیانی	۲۷	۱۰
فرایند رفتاری	۷	۳
فرایند وجودی	۱۷	۶
<b>مجموع فرایندها</b>	<b>۲۸۱</b>	<b>۱۰۰</b>

**جدول ۲- فراوانی رخداد و درصد توزیع انواع فرایند در پیکره غزلیات عاشقانه سعدی**

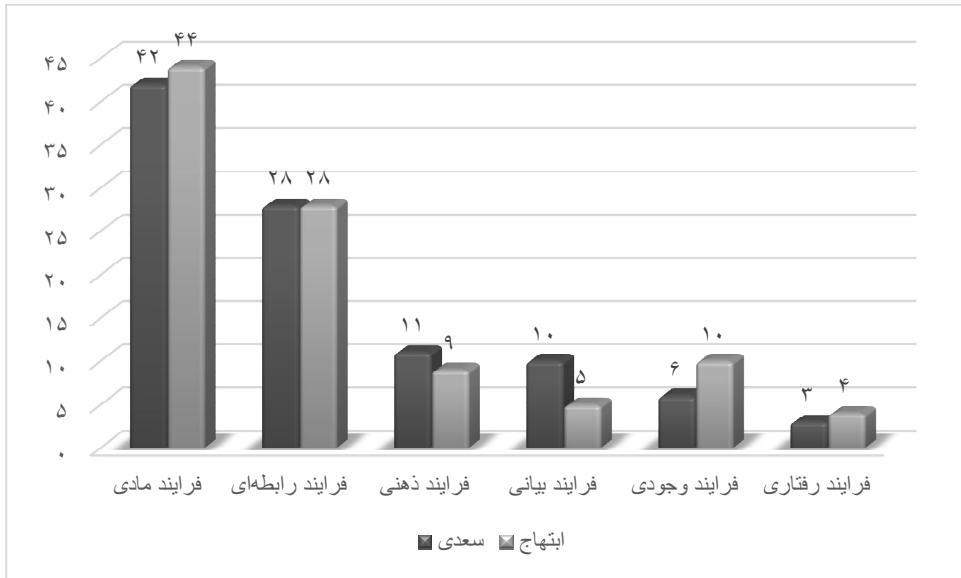
همانگونه که در جدول ۲- مشاهده می‌شود در اشعار سعدی مجموعاً ۲۸۱ فرایند شناسایی گردید که از این بین فرایند مادی با ۴۲ درصد بیشترین رخداد را در پیکره داشته‌اند و پس از آن فرایند رابطه‌ای با ۲۸ درصد بیشترین بسامد را داشته است. فرایندهای ذهنی با ۱۱ درصد، بیانی با ۱۰ درصد، وجودی با ۶ و رفتاری با ۳ درصد به ترتیب در مرتبه‌های بعدی به لحاظ بسامد رخداد قرار گرفته‌اند. همچنین میزان رخداد انواع فرایند و درصد توزیع آنها در گفتمان عاشقانه سروده‌های ابتهاج در جدول ۳- ارائه شده است.

نوع فرایند	بسامد رخداد	درصد توزیع
فرایند مادی	۱۰۰	۴۴
فرایند ذهنی	۲۰	۹
فرایند رابطه‌ای	۶۳	۲۸
فرایند بیانی	۱۱	۵
فرایند رفتاری	۹	۴
فرایند وجودی	۲۴	۱۰
<b>مجموع فرایندها</b>	<b>۲۲۷</b>	<b>۱۰۰</b>

**جدول ۳- فراوانی رخداد و درصد توزیع انواع فرایند در پیکره غزلیات عاشقانه ابتهاج**

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۳- در غزلیات عاشقانه ابتهاج در مجموع ۲۲۷ فرایند کاربرد داشته است که از این تعداد فرایند مادی با ۴۴ درصد بیشترین رخداد را به خود اختصاص داده است و پس از آن فرایندهای ارتباطی با ۲۸ درصد در مرتبه دوم قرار دارد. فرایندهای وجودی با ۱۰ درصد، ذهنی با ۹ درصد، بیانی ۵ درصد و رفتاری با ۴ درصد به لحاظ بسامد رخداد در مرتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند. به

منظور مقایسه بهتر اشعار سعدی و ابتهاج نتایج به دست آمده از جدول‌های ۲- و ۳- در قالب نمودار ۲- به نمایش گذاشته شده است.



### نمودار ۲- مقایسه توزیع انواع فرایند در اشعار سعدی و ابتهاج

همانگونه که در نمودار ۲- دیده می‌شود، بیشترین میزان استفاده از فرایندهای فعلی از سوی هر دو شاعر مربوط به فرایندهای مادی و پس از آن فرایندهای رابطه‌ای است. با وجود این درصد رخداد فرایندهای مادی نسبت به کل فرایندها در اشعار ابتهاج ۲ درصد از کاربرد همین فرایند از سوی سعدی بیشتر است. علاوه بر این، ابتهاج از فرایندهای وجودی و بیانی به میزان ۴ و ۱ درصد بیشتر از سعدی استفاده کرده است. از سوی دیگر رخداد فرایندهای بیانی و ذهنی به ترتیب با ۵ و ۲ درصد در اشعار سعدی رخداد بیشتری داشته‌اند. نکته حائز اهمیت میزان استفاده از فرایندهای رابطه‌ای از سوی هر دو شاعر است که هر کدام ۲۸ درصد از کاربرد انواع فرایند را به این نوع اختصاص داده‌اند.

### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تا با بررسی غزلیات عاشقانه سروده شده از سوی دو شاعر پرآوازه این سبک، سعدی و ابتهاج، نخست به چگونگی بازنمود جهان/افکار و معانی در این گفتمان از طریق بررسی وضعیت نظام‌گذاری پرداخته شود. سپس با تکیه بر نتایج به دست آمده از تحلیل فرایندهای موجود در اشعار هر یک از این شاعران، ویژگی‌های متن‌های ایشان مشخص و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین این دو خرده‌گفتمان تعیین شد. به این منظور ۲۰ غزل از اشعار سعدی و ابتهاج انتخاب و با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) و از منظر‌گذاری مورد تحلیل قرار گرفته شد. نتایج تحلیل ۵۰۹ بند نشان می‌دهند که در گفتمان عاشقانه غزلیات فارسی فرایندهای اصلی نسبت به فرایندهای فرعی از بسامد بالاتری برخوردار است. به این صورت که فرایندهای مادی با ۴۴ درصد بیشترین کاربرد

را در بازنمایی این گفتمان دارد و پس از آن فرایندهای رابطه‌ای (۲۸ درصد) و ذهنی (۱۰ درصد) بیشترین استفاده را در بازنمایی این گفتمان بر عهده داشتند. از بین فرایندهای فرعی فرایند مادی و وجودی رخدادی برابر (۸ درصد) داشته‌اند و فرایند رفتاری کم‌کاربردترین نوع فرایند در این گفتمان بوده است. این نتایج بیانگر این است که دلالت بر دنیای بیرون و کنش‌های گفتمانی و شرح وقایع عاشقانه به علت بسامد بیشتر فرایندهای مادی از اهمیت بالاتری برخوردار است. همچنین به منظور بازنمایی شرایط و وضعیت مشارکین موجود در این گفتمان، بازنمایی فضایی و زمانی، توصیف ویژگی‌های عاشق و معشوق و بیان مالکیت از فرایند رابطه‌ای به میزان بالایی استفاده شده است. سعدی و ابتهاج به منظور توصیف فضای ذهنی و نیز تجربیات حسی عاشقانه در غزلیات عاشقانه خود از فرایند ذهنی بهره برده‌اند اما چنانچه به نظر می‌رسد بازنمایی احساسات، اندیشه‌ها و دریافت‌های شخصیت‌های موجود در غزل نسبت به کنش‌های عاشقانه و توصیف شخصیت‌ها اهمیت کمتری داشته باشد.

مقایسه نتایج به دست آمده از تحلیل نظام گذرایی اشعار سعدی با ابتهاج نشان داد استفاده از انواع فرایند در بین این دو شاعر شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارد. فرایندهای مادی و رابطه‌ای بیشترین کاربرد را در غزلیات عاشقانه این دو شاعر داشت. تا جایی که میزان استفاده از فرایند رابطه‌ای در پیکره غزلیات مورد بررسی سعدی و ابتهاج به یک میزان بود. با وجود این، سعدی در اشعار خود از فرایندهای ذهنی و بیانی بیشتری نسبت به ابتهاج استفاده کرده است. این در حالی است که کاربرد فرایندهای مادی و وجودی در اشعار ابتهاج بیشتر از سعدی است. این امر نشان می‌دهد که سعدی به منظور بازنمایی روابط عاشقانه در اشعار خود به نسبت ابتهاج تأکید بیشتری بر عواطف و احساسات ذهنی داشته است و فضایی انتزاعی‌تر را برای مخاطبین اشعارش خلق کرده است؛ همچنین کاربرد فرایند بیانی بالاتر نتیجه بازنمایی روابط عاشقانه از سوی این شاعر در قالب مناظره‌های عاشق و معشوق با یکدیگر، گفتگوی درونی شاعر با خویش و نیز روایت عشق است. از سوی دیگر کاربرد بالاتر فرایند مادی در اشعار ابتهاج نشان‌دهنده پویایی بیشتر اشعار وی و تأکید او بر جهان واقع می‌باشد. از سوی دیگر ابتهاج با استفاده بیشتر از فرایندهای رفتاری در کنار فرایندهای مادی سعی داشته است تا به میزان بیشتری رفتارهای جسمی و روحی عاشق و معشوق را بازنمایی کند.

با مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام گرفته شده در این حیطه که در بخش پیشینه ذکر گردید مشخص می‌شود که نتایج به دست آمده از تحلیل نظام گذرایی غزلیات عاشقانه سعدی و ابتهاج و بسامد کاربرد انواع فرایند در متون مورد بررسی با نتایج بررسی‌های آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، کلاهدوز محمدی و نی‌فر (۲۰۱۲)، چورا (۲۰۱۳)، فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳) و امیرخانلو (۱۳۹۴) همسو است. از سوی دیگر ترتیب فرایندهای پر بسامد در پژوهش شیبانی اقدم و همکاران (۱۳۹۶) که بر روی اشعار مولوی انجام شده بود با نتایج پژوهش حاضر تفاوت دارد و این امر ویژگی‌های سبکی متفاوت مولوی با سعدی و ابتهاج و نیز مضمون اصلی متفاوت در دو گفتمان عاشقانه و تعلیمی را بازتاب می‌دهد.

## منابع

- ابوالحسنی، زهرا و مریم السادات میرمالک ثانی (۱۳۸۷). «بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیردرسی معرفی یک پایان‌نامه». سخن سمت، شماره ۲۰، ۱۴۳-۱۲۹.
- امیرخانلو، معصومه (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا». ادب فارسی، سال ۵، شماره ۲، ۱۸۶-۱۶۹.
- امیری، محمد عارف (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان پیکره‌یار ترانه‌های فارسی: رهیافتی انتقادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حسین رضویان (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال ۴، شماره ۱، ۲۵۴-۲۴۳.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و احمد رضانی (۱۳۸۹). «توصیف نوشتار دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». *کودکان استثنایی*، دوره ۱۰، شماره ۴، ۳۸۵-۳۶۹.
- رضویان، حسین و شیوا احمدی (۱۳۹۵). «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه جزئیات در داستان بر اساس دستور نقش‌گرا». *جستارهای زبانی*، دوره ۷، شماره ۶، ۳۷۰-۳۴۳.
- رضانی، احمد و آتوسا رستم‌بیک (۱۳۹۴). «تحلیل متن کتاب زبان انگلیسی هفتم بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال ۱۵، شماره ۳، ۷۶-۵۹.
- روحی‌پور، سیده محدثه (۱۳۹۲). *بررسی و مقایسه فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۶۲). *سیر غزل در شعر فارسی (از آغاز تا امروز)*، تهران: ایران و اسلام
- شیبانی اقدم، اشرف؛ گذشتی، محمدعلی و راحله غلامی (۱۳۹۶). «جهان بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال ۱۳، شماره ۴۶، ۱۴۵-۱۲۳.
- فردوسی، مرجان (۱۳۸۹). *تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا
- فضائلی، سیده مریم و شیما ابراهیمی (۱۳۹۳). «تحلیل سبک‌شناسی داستان هفتخوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال ۱، شماره ۴، ۱۴۲-۱۱۹.
- محبی‌تبار، پروانه (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان شعر دفاع مقدس در اشعار قیصر امین‌پور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

- Burton, D. (1982). *Through Glass Darkly: Through Dark Glasses. Language and Literature: An Introductory Reader in Stylistics*, 194-214.
- Choura, S. (2013). *Ditransitive Complementation in Medical Research Articles*. Retrieved 24 May, 2013, from: <http://jetou2013.free.fr/documents/JeTou2013-Actes-p53-58-Choura.pdf>.
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Halliday, M. A. (1971). *Linguistic Function and Literary Style: An Inquiry into the Language of William Golding's The Inheritors*. In *Literary Style: A Symposium* (Vol. 339). New York: Oxford University Press.
- Halliday, M., Matthiessen, C. M. (2014). *An Introduction to Functional Grammar*. Routledge.
- Halliday, M.A.K. (1994) *An Introduction to Functional Grammar (2nd edition)*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. and Matthiessen, C.M.I.M. (2004) *An Introduction to Functional Grammar (3<sup>rd</sup> edition)*. London: Hodder Arnold.
- Hasan, R. (1989). *Linguistics, Language and Verbal Art*. Oxford: Oxford University Press
- Mohammadi, K. and N. Nabifar(2012). A Comparative Study of English and Persian Proverbs based on Halliday's Experiential Metafunction. *Journal of Academic and Applied Studies*, 2(8), 22-36.
- Thompson, G. (2014). *Introducing Functional Grammar(3<sup>rd</sup> edition)*. Routledge.